

۳ مرداد ۱۴۰۴ - شهر چمران خوزستان

خطبه اول:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ
وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ وَنُصَلِّي وَنُسَلِّمُ عَلَى حَبِيبِهِ وَنَجِيبِهِ وَ
خَيْرَتِهِ فِي خَلْقِهِ حَافِظِ سِرِّهِ وَ مُبَلِّغِ رِسَالَاتِهِ بِشِيرِ
نِعْمَتِهِ وَ نَذِيرِ نِقْمَتِهِ سَيِّدِنَا وَ نَبِيَّنَا اَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى
مُحَمَّدٌ وَ عَلَى آلِهِ الْاَطْيَبِينَ الْاَظْهَرِينَ الْمُتَجَبِّينَ
الْهَدَاةَ الْمَهْدِيِّينَ سَيِّمًا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي الْاَرْضِينَ وَ صَلَّ
اللَّهُ عَلَى اَئِمَّةِ الْمُؤْمِنِينَ وَ هَدَاةِ الْمُسْتَضْعِفِينَ وَ حَمَاهُ
الْمُؤْمِنِينَ.

عِبَادَ اللَّهِ اَوْصِيكُمْ وَ نَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ

قَالَ اميرالمومنين (عليه السلام): عَلَيْكُمْ بِطَاعَةِ مَنْ لَا تُعْذِرُونَ بِجَهَاتِهِ

آقا امير المومنين در حديثي كه در حكمت ۱۵۵ كتاب شريف نهج البلاغه آمده است، مي فرمايد: پيروي كنيد كسي را كه عذر شما به شناختن او پذيرفته نيست.

از چه كسي بايد اطاعت كرد؟

امام (عليه السلام) در اين كلام حكمت آميز خود اشاره به اين نکته مي كند كه از چه كسي بايد اطاعت و از چه كسي نبايد اطاعت كرد.

منظور از «آن كس» در درجه اول ذات پاك خداوند متعال و در درجه بعد رسولش پيامبر اسلام (صلي الله عليه وآله) و جانشينان معصوم و بر حق اوست كه اطاعت از آنها اطاعت

مطلقه است یعنی کسی نمی تواند بگوید چون نمی دانستم اطاعت نکردم، چرا که بر هر کسی واجب است بخشنده نعمت ها را بشناسد؛ کسی که تمام هستی ما از اوست و ما هرگز نمی توانیم بگوییم چون نمی شناختیم در برابر ترک طاعتش معذور بودیم و بعد از شناخت خداوند باید بداند او مطابق «قاعده لطف»، رسولانی را مبعوث می کند تا پیامش را به بندگان برسانند و راه صحیح و باطل را به آنها نشان دهند و به هنگام رحلت رسولان، اوصیای آنها را بشناسند و پیام رسولان را از آنها بگیرند.

در ضمن هدف حضرت این است که به مردم هشدار دهد از طاعتش سر نیچند و بدانند هرگونه سرپیچی روز قیامت مایه سرافکندگی است و هیچ گونه عذری از آنها قبول نخواهد شد.

در تأیید این سخن، در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه شریفه «(فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ)»; بگو دلیل رسا و قاطع برای خداست (دلیلی که برای هیچ کس بهانه ای باقی نمی گذارد)». (انعام، آیه ۱۴۹) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ لِلْعَبْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَكُنْتَ عَالِمًا فَإِنْ قَالَ نَعَمْ قَالَ لَهُ أَفَلَا عَمِلْتَ، بِمَا عَلِمْتَ وَإِنْ قَالَ كُنْتُ جَاهِلًا قَالَ لَهُ أَفَلَا تَعَلَّمْتَ حَتَّى تَعْمَلَ فَيَخْصِمَهُ وَذَلِكَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ; خداوند متعال روز قیامت به بنده اش می گوید: آیا می دانستی؟ اگر بگویند: آری می فرماید: چرا به آنچه می دانستی عمل نکردی؟ و اگر بگویند نمی دانستم به او می گوید: چرا یاد نگرفتی که عمل کنی و به این ترتیب با او مخاصمه می کند و این است معنای حجت بالغه». (بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۷۷، ح ۵۸)

ولی امور بسیاری است که انسان بر اثر عدم شناخت، در برابر آن معذور است; مثلاً من اگر ندانم فلان غذا یا لباسی

را که از بازار مسلمانان می خرم دزدی و حرام است؛ غذا را
بخورم و با لباس نماز بخوانم اگر فرضاً در قیامت از من
سؤال کنند چرا چنین کردی می گویم: نمی دانستم و هرگز
به من نمی گویند چرا نرفتی و تحقیق و تفحص کنی و در
اینجا جهل من عذر است؛ ولی در احکام شرع و معارف و
عقائد دینی، جهل عذر نیست.

خطبه دوم:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله ربّ العالمين و الصّلاه و السّلام على سيّدنا و
نبينا ابى القاسم المصطفى محمّد و على ءاله الأطيبين
الأطهرين سيّما بقيّة الله فى الأرضين و صلّ على على
امير المؤمنين و فاطمة الزّهراء سيّدة نساء العالمين و صلّ
على الحسن و الحسين سيّدى شباب اهل الجنّة و على
على بن الحسين و محمّد بن علىّ و جعفر بن محمّد و
موسى بن جعفر و على بن موسى و محمّد بن علىّ و
على بن محمّد و الحسن بن علىّ و الخلف القائم المهديّ
حججك على عبادك و امنائك فى بلادك و صلّ على
ائمّة المسلمين و حماة المستضعفين و هداة المؤمنين.

عباد الله اوصيكم و نفسى بتقوى الله

امروز می‌خواهم از یک پیوند تاریخی و انسانی سخن بگویم؛ پیوندی میان اسارت اهل بیت (ع) و رنج امروز مردم غزه.

امام سجاد (ع) می‌فرمایند: «در مسیر اسارت از کوفه به شام، عمه‌ام زینب (س)، نمازهای واجب و مستحب را ایستاده به جا می‌آورد، اما در یکی از منازل نشسته نماز خواند. وقتی پرسیدم چرا؟ فرمود: سه شب است از شدت گرسنگی و ضعف، نشسته نماز می‌خوانم؛ چرا که سهمیه نان خود را به کودکان داده‌ام». بنی‌امیه به هر اسیر تنها یک قرص نان می‌دادند.

تاریخ گواهی می‌دهد: طاغوت در هر عصر و زمان، از گرسنگی به‌عنوان سلاحی برای شکستن اراده‌ها استفاده کرده است. امروز، همان سلاح، علیه مردم مظلوم غزه به کار گرفته شده است.

گرسنگی در غزه، دیگر فقط محرومیت نیست؛ بلکه نسل‌کشی خاموشی است که وجدان بشری را به لرزه می‌اندازد. بیش از ۸۵ درصد مردم در گرسنگی بحرانی‌اند. رژیم صهیونیستی در کنار بمباران، با تخریب زیرساخت‌های حیاتی زندگی، در پی تسلیم کردن مردمی است که سال‌ها در برابر ظلم ایستاده‌اند.

در یکی از روزهای دردناک، سربازان صهیونیست به مردمی که برای گرفتن آرد در صف ایستاده بودند، آتش گشودند؛ ۱۸ نفر به شهادت رسیدند. چه تصویری تلخ‌تر از این؟ مردمی که در صف نان، قربانی گلوله می‌شوند.

اما در دل این تاریکی، نوری از پایداری می‌درخشد. مردم غزه، همچون اهل بیت (ع)، با گرسنگی، شکنجه و خون، فریاد زده‌اند:

«الموت ولا المذله»؛ مرگ با عزت، بهتر از زندگی با ذلت.

حضرت امام سجاد (ع) می‌فرمایند: **«كفى بنصر الله لك أن ترى عدوك يعمل بمعاصي الله فيك»؛** همین که می‌بینیم دشمن برای جنگ با ما، به گناه روی می‌آورد، نشانه پیروزی الهی ماست.

پس امیدمان را از دست نمی‌دهیم. غزه، امروز آوردگاه اراده‌هاست. سکوت جهانی، فاجعه را سنگین‌تر کرده، اما مقاومت، همچنان زنده است.

وظیفه ماست که در رسانه‌ها، مجامع علمی، منابر و شبکه‌های اجتماعی، این نسل‌کشی خاموش را افشا کنیم. بگذار صدای مظلومان، از دل تاریکی، به گوش وجدان جهانی برسد.

نماز جمعه؛ سنگر بصیرت در جنگ نرم دشمن

برادران و خواهران گرامی،

در پنجم مرداد سال ۱۳۵۸، ملت ایران شاهد اقامه نخستین نماز جمعه پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود؛ به امامت عالم مجاهد، آیت‌الله سید محمود طالقانی (رحمه‌الله‌علیه). این روز، نه تنها روز آغاز یک عبادت جمعی بزرگ بود، بلکه روز پایه‌گذاری یک سنگر مستحکم از جنس آگاهی، وحدت و مقاومت در برابر هجمه‌های دشمنان اسلام و ایران شد.

چیستی جنگ نرم؛ تهدیدی بی‌سر و صدا اما خائمان‌سوز

امروز دیگر دشمنان انقلاب اسلامی را نه فقط در میدان‌های جنگ سخت، بلکه در میدان‌های رسانه‌ای، روانی و فرهنگی باید شناخت. پس از ناکامی در براندازی نظام اسلامی با اسلحه و تانک، در دهه‌های بعد دشمن به سراغ

"جنگ نرم" آمد؛ جنگی که سلاحش نه گلوله، بلکه شایعه، تحریف، ناامیدی، سیاه‌نمایی و رسانه‌های مسموم است.

در تعریف جنگ نرم باید گفت: اقداماتی پنهان و پیچیده برای از بین بردن اعتماد به نفس ملی، سلب مشروعیت از نظام اسلامی، تضعیف روحیه جوانان و تغییر باورها و سبک زندگی مردم. دشمن می‌خواهد از دل جامعه، انقلاب را براندازد؛ بدون شلیک حتی یک گلوله.

اضلاع پنج‌گانه جنگ روانی

دشمن در عملیات روانی خود پنج هدف اصلی را دنبال می‌کند:

- افسردگی و دلسردی ملت
- یأس‌آفرینی و ناامیدی از آینده
- ترس‌پراکنی و ارباب
- اضطراب و پریشانی دائمی
- تحقیر و احساس بی‌ارزشی ملی

آیا ندیده‌ایم که دشمن چگونه مشکلات اقتصادی را بزرگ‌نمایی می‌کند؟ چگونه موفقیت‌های علمی ما را نادیده می‌گیرد؟ چگونه با سلبریتی‌های وابسته، الگوهای ناسالم را در جامعه تزریق می‌کند؟ همه این‌ها ابزارهای جنگ نرم‌اند.

نقش نماز جمعه؛ سنگری علیه جنگ نرم

و اما نماز جمعه...

اینجا، سنگر مقابله با این پنج ضلع تخریب روانی است:

- نماز جمعه، کانون نشاط و شادابی‌ست: اجتماع مؤمنان، وحدت قلوب، و ذکر خدا، افسردگی را می‌شکند.

- نماز جمعه، مرکز امیدآفرینی‌ست: تحلیل آگاهانه و بیان دستاوردها، یأس را از دل‌ها می‌زداید.

- نماز جمعه، مظهر آرامش و طمأنینه است: یاد خدا، تفسیر قرآن و معنویت، اضطراب‌ها را درمان می‌کند.

- نماز جمعه، منبع حماسه‌آفرینی‌ست: یاد شهدا، دعوت به مجاهدت و مقاومت، ترس را به شجاعت تبدیل می‌سازد.

- نماز جمعه، مهد عزت و خودباوری ملی است: خطبه‌های روشنگر، تأکید بر توانمندی‌های ملت و دفاع از آرمان‌ها، احساس حقارت را به سرافرازی بدل می‌کند.

پس بی‌راه نیست اگر دشمن در فتنه‌های اخیر، مصلاهای نماز جمعه را هدف تخریب و آتش‌سوزی قرار داد؛ آن‌ها می‌دانند اینجا سنگر آگاهی است؛ چون امام جمعه، نه فقط یک نمازگزار، بلکه یک فرمانده فرهنگی در جبهه جنگ نرم است.

امام جمعه، زبان تبیین حقیقت است. نماز جمعه، رسانه‌ای صادق در میان امواج رسانه‌های تحریف‌گر. پس بیایید حضورمان را در این سنگر تقویت کنیم.

بیایید جوانانمان را به جای فالو کردن سلبریتی‌های ناآگاه، به خطبه‌های عالمان بصیر جذب کنیم.

و بیایید این سنگر الهی را از خاکستری به آتش‌فشانی از امید، عزت و مقاومت تبدیل کنیم.